

چگونه دادآفرینی‌ها می‌توانستند، به حداقل ۷۰ درصد سؤالات آیین دادرسی مدنی، پاسخ دهند؟

مقایسه سؤالات آزمون وکالت ۱۴۰۳ در درس آیین دادرسی مدنی با سؤالات موجود در منابع دادآفرین

۲۱ - چنانچه آیین نامه دولتی با صدور رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود، در خصوص اثر این ابطال کدام مورد صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

- ۱) اثر ابطال از زمان صدر رأی جاری است مگر آیین نامه هم‌زمان به علت مخالفت با قوانین موجد حق ابطال شده باشد.
- ۲) اثر ابطال از زمان صدور رأی جاری است مگر به علت خلاف شرع ابطال شده و یا در رأی تصریح شده باشد که از زمان تصویب مصوبه جاری است.
- ۳) اثر ابطال در هر حال از زمان تصویب آیین نامه جاری است مگر در رأی خلاف آن تصریح شده باشد.
- ۴) اثر ابطال در هر حال از زمان صدور رأی ابطال جاری است مگر در رأی خلاف آن تصریح شده باشد.

سؤال ۱۳۳۷ کتاب مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

هرگاه دیوان عدالت اداری مصوبه قوه مجریه را به علت مخالفت آن با شرع، ابطال نماید، اثر آن: «آزاد ۸۷»

- ۱) از تاریخ تصویب مصوبه است.
 - ۲) از تاریخ انتشار رأی دیوان در روزنامه رسمی است.
 - ۳) از تاریخ صدور رأی دیوان است.
 - ۴) از تاریخی است که دیوان در رأی خود تعیین می‌کند.
- گزینه ۱ صحیح است.** اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رأی هیأت عمومی است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، هیأت مذکور اثر آن را به زمان تصویب مصوبه مترتب نماید. (ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری)

سؤال ۳۰۶ کتاب گام آخر آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، مشاهیر دادآفرین

اثر ابطال مصوبات در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از چه زمانی است؟

- ۱) تصویب مصوبه
 - ۲) صدور رأی هیأت عمومی
 - ۳) صدور رأی هیأت عمومی مگر در مورد مصوبات خلاف شرع
 - ۴) تصویب مصوبه مگر در مورد مصوبات خلاف شرع
- گزینه ۳ صحیح است.** مطابق ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری: «اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رأی هیأت عمومی است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، هیأت مذکور اثر آن را به زمان تصویب مصوبه مترتب نماید.»

۲۳ - حکمی در تأیید حکم دادگاه نخستین از دادگاه تجدیدنظر استان صادر و در مهلت مقرر از آن فرجام خواهی می‌شود. چنانچه

دیوان عالی کشور، عدم صحت سند مستند حکم فرجام‌خواسته را احراز نماید، کدام مورد صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

- ۱) فقط چنانچه سند، عادی باشد رأی را نقض می‌کند و پرونده را به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌دهد.
- ۲) فقط چنانچه سند، رسمی باشد رأی را نقض می‌کند و پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی منقوض ارجاع می‌دهد.
- ۳) حکم را نقض و پرونده را به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌دهد.
- ۴) حکم را نقض و پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی منقوض ارجاع می‌دهد.

سؤال ۹۹۵ کتاب مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

رسیدگی به پرونده پس از نقض حکم فرجام‌خواسته، در هر کدام از موارد زیر، به ترتیب کدام است؟ «سراسری ۹۶»

- علت نقض، نقص تحقیقات است.

- علت نقض، مخالفت رأی با مقررات قانونی است.

- ۱) هم‌عرض - صادرکننده حکم
 - ۲) هم‌عرض - هم‌عرض
 - ۳) صادرکننده حکم - هم‌عرض
 - ۴) صادرکننده حکم - صادرکننده حکم
- گزینه ۳ صحیح است.** پس از نقض رأی دادگاه در دیوان عالی کشور، رسیدگی مجدد به دادگاهی که به شرح زیر تعیین می‌گردد ارجاع می‌شود و دادگاه مرجوع‌الیه مکلف به رسیدگی می‌باشد: الف - اگر رأی منقوض به صورت قرار بوده و یا حکمی باشد که به علت نقص تحقیقات نقض شده است، رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده آن ارجاع می‌شود. ب - اگر رأی به علت عدم صلاحیت دادگاه نقض شده باشد، به دادگاهی که دیوان عالی کشور صالح بداند ارجاع می‌گردد. ج - در سایر موارد نقض، پرونده به شعبه دیگر از همان حوزه دادگاه که رأی منقوض را صادر نموده ارجاع می‌شود و اگر آن حوزه بیش از یک شعبه دادگاه نداشته باشد به نزدیک‌ترین دادگاه حوزه دیگر ارجاع می‌شود. (ماده ۴۰۱ ق.آ.د.م.)

۲۴ - حکمی قطعی از دادگاه تجدیدنظر استان، له شخص «الف» با وکالت شخص «ج»، علیه شخص «ب» صادر و در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱ ابلاغ گردیده و حکم اجرا شده است. همان شخص «ج» اصالتاً، در تاریخ ۱۴۰۳/۵/۵ نسبت به همان حکم اعتراض ثالث می‌نماید، در مورد قابل استماع بودن اعتراض ثالث، با لحاظ مدت، کدام مورد صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

۱) در صورتی که ثابت شود حقوقی که اساس و مأخذ اعتراض است قانوناً ساقط نشده، قابل استماع است.

۲) اگر اعتراض ثالث طاری باشد، در هر حال مسموع است.

۳) فقط در اعتراض ثالث طاری در صورتی که ثابت شود حقوقی که اساس و مأخذ اعتراض است، قانوناً ساقط نشده، مسموع است.

۴) فقط در صورتی که ثابت شود محکوم‌له حکم مورد اعتراض حق خود را انتقال نداده است، مسموع است.

سؤال ۱۰۱۹ کتاب مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

حکمی از دادگاه عمومی حقوقی له خواهان صادر و در دادگاه تجدیدنظر عیناً استوار و اجرا می‌شود. پنج سال پس از مختومه شدن پرونده اجرایی وکیل محکوم‌له، اصالتاً، نسبت به حکم مزبور اعتراض ثالث تنظیم می‌نماید. در مورد مرجع اعتراض و قابلیت استماع آن کدام گزینه درست است؟ «سراسری ۱۴۰۱»

۱) دادگاه تجدیدنظر، چنانچه ثابت شود حقوقی که اساس و مأخذ اعتراض است به جهتی قانونی ساقط نشده باشد قابل استماع است.

۲) دادگاه نخستین، چنانچه ثابت شود حقوقی که اساس و مأخذ اعتراض است به جهتی قانونی ساقط نشده باشد قابل استماع است.

۳) دادگاه تجدیدنظر، قابل استماع است مگر در وکالتنامه حق اعتراض ثالث نیز تصریح شده باشد.

۴) دادگاه تجدیدنظر، در هر حال قابل استماع است.

گزینه ۱ صحیح است. اعتراض اصلی باید به موجب دادخواست و به طرفیت محکوم‌له و محکوم‌علیه رأی مورد اعتراض باشد. این دادخواست به دادگاهی تقدیم می‌شود که رأی قطعی معترض‌عنه را صادر کرده است. ترتیب دادرسی مانند دادرسی نخستین خواهد بود. (ماده ۴۲۰ ق.آ.د.م.) تجدیدنظرخواهی، اثر انتقالی دارد، مع‌الوصف چنانچه دادگاه نخستین در دعوی حکم صادر کند و از آن تجدیدنظرخواهی شود و دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه نخستین را استوار نماید، مرجع صادرکننده حکم در این فرض، دادگاه تجدیدنظر است. بنابراین دادخواست اعتراض ثالث در این فرض به دادگاه تجدیدنظر تقدیم می‌شود و مرجع صالح در جهت رسیدگی به اعتراض ثالث اصلی، دادگاه تجدیدنظر است. اعتراض شخص ثالث قبل از اجرای حکم مورد اعتراض، قابل طرح است و بعد از اجرای آن در صورتی می‌توان اعتراض نمود که ثابت شود حقوقی که اساس و مأخذ اعتراض است به جهتی از جهات قانونی ساقط نشده باشد بنابراین اعتراض ثالث در دعاوی حقوقی مهلت ندارد. (ماده ۴۲۲ ق.آ.د.م.)

۲۵ - در خصوص رعایت اصول و تشریفات دادرسی در رسیدگی به امور حقوقی با توجه به قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲، کدام مورد صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

۱) رعایت اصول دادرسی در دادگاه عمومی حقوقی و صلح الزامی است اما رعایت تشریفات دادرسی در دادگاه صلح الزامی نیست.

۲) رعایت اصول دادرسی در دادگاه عمومی حقوقی و دادگاه صلح و شورای حل اختلاف الزامی است اما رعایت تشریفات دادرسی در دادگاه صلح و شورای حل اختلاف الزامی نیست.

۳) رعایت اصول و تشریفات دادرسی در دادگاه عمومی حقوقی و صلح الزامی است.

۴) رعایت اصول و تشریفات دادرسی در دادگاه عمومی حقوقی و صلح الزامی است اما در شورای حل اختلاف الزامی نیست.

اصول دادرسی و تشریفات دادرسی صفحه ۱۰ کتاب گام آخر آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، مشاهیر دادآفرین

اصول دادرسی، مبانی و قواعدی هستند که مقررات بر اساس آنها وضع می‌شود این اصول زیرساخت و پایه وضع قوانین قرار می‌گیرند، مانند بی‌طرفی دادرسی، علنی بودن دادرسی، اصل برائت، مطلع ساختن مخاطب (ابلاغ)، حق دفاع، رسیدگی به دلایل، مقررات ناظر به صلاحیت.

تشریفات دادرسی، قواعدی هستند که قانونگذار با توجه به شرایط زمانی و یا مکانی خاص، آنها را تعیین می‌نماید. این مقررات در جهت اجرای بهتر عدالت و شیوه‌ی رسیدگی وضع می‌شوند؛ البته این قواعد بر خلاف اصول دادرسی، می‌توانند مورد تغییر قرار گیرند؛ مانند شیوه ابلاغ، شرایط شکلی دادخواست هزینه دادرسی و مانند آن.

۲۶ - با توجه به قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ و قانون تشکیل دادگاه‌های خانواده، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن در صلاحیت چه مرجعی است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

۱) شورای حل اختلاف ۲) دادگاه عمومی حقوقی ۳) دادگاه خانواده ۴) دادگاه صلح

سؤال ۱۳۶۸ کتاب مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

کدام مورد، در صلاحیت دادگاه صلح است؟ «شورای حل اختلاف ۹۶»

- (۱) کلیه دعاوی مالی خانوادگی تا نصاب یک میلیارد ریال
(۲) کلیه گواهی‌های حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن
(۳) کلیه دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره
(۴) جنبه خصوصی کلیه جرایم

گزینه ۲ صحیح است. علت نادرستی گزینه ۱ این است که دعوای اجرت‌المثل ایام زوجیت قابل طرح در دادگاه صلح نیست و علت نادرستی گزینه ۳ این است که دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب و پیشه قابل طرح در دادگاه صلح نمی‌باشد.

صلاحیت‌های دادگاه صلح به شرح زیر است:

۱ - دعاوی مالی تا نصاب یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

تبصره - رئیس قوه قضائیه می‌تواند نصاب مذکور در این بند را هر سه سال یک بار با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعدیل کند.
۲ - دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق، ۳ - دعاوی راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (۱) این ماده در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نباشد. ۴ - دعاوی و درخواست‌های مربوط به تخلیه عین مستأجره و تعدیل اجاره‌بها به‌جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب یا پیشه یا تجارت، ۵ - اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوا رسیدگی کرده باشد. ۶ - حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن، ۷ - تأمین دلیل، ۸ - تقاضای سازش موضوع ماده (۱۸۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱، ۹ - جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی، ۱۰ - جرائم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت، ۱۱ - دعاوی اصلاح شناسنامه، استرداد شناسنامه، اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی (به‌استثنای مواردی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است)، الزام به اخذ پایان کار، اثبات رشد، الزام به صدور شناسنامه، تصحیح و تغییر نام

تبصره ۵ - آرای دادگاه صلح، قطعی است مگر در موارد زیر که قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است:

الف - دعاوی موضوع بند (۱) این ماده در صورتی که خواسته بیشتر از نصف نصاب مذکور در آن بند باشد.

ب - موارد موضوع بند (۹) این ماده نسبت به دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آن‌ها بیش از یک دهم دیه کامل یا معادل آن باشد. پ - موارد مذکور در بندهای (۲)، (۳) و (۴) این ماده،

ت - موارد موضوع بند (۵) این ماده مشروط به این که اصل دعوا قابل اعتراض باشد. ث - جنبه عمومی جرائم غیر عمدی موضوع بند (۹) در صورتی که مجازات قانونی آن درجه شش یا بیشتر باشد. ج - جرائم عمدی تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها حبس درجه هفت باشد. (ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف و تبصره ۵ آن)

صلاحیت دادگاه صلح بند ۶ صفحه ۲۰ کتاب گام آخر آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، مشاهیر دادآفرین

«دادگاه صلح با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل رسمیت می‌یابد و صلاحیت‌های دادگاه صلح به شرح زیر است: ...

۶ - حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن ...»

۲۹ - در خصوص مهلت اعتراض به نظریه کارشناس در پرونده دادرسی و ارزیاب در اجرای احکام مدنی و مبدأ مهلت، کدام مورد

صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

۱) در مورد کارشناس، سه روز از تاریخ ابلاغ اخطار وصول نظریه و در مورد ارزیاب، هفت روز از تاریخ ابلاغ نظریه

۲) در مورد کارشناس و ارزیاب، هفت روز از تاریخ ابلاغ نظریه

۳) در مورد کارشناس، هفت روز پس از تاریخ ابلاغ اخطار مبنی بر وصول نظریه و در مورد ارزیاب سه روز از تاریخ ابلاغ نظریه

۴) در مورد کارشناس، هفت روز از تاریخ ابلاغ نظریه و در مورد ارزیاب، سه روز از تاریخ ابلاغ وصول نظریه ارزیاب

سؤال ۷۳۱ کتاب مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

اصحاب دعوا تا چه زمانی می‌توانند به نظر کارشناس اعتراض نمایند؟ «سراسری ۸۰»

۱) یک هفته پس از ابلاغ نظر کارشناس که باید به وسیله دادگاه به آنها انجام گیرد.

۲) یک هفته پس از ابلاغ اخطاریه دادگاه مبنی بر مراجعه به دفتر دادگاه و ملاحظه نظر کارشناس.

۳) یک هفته پس از مدتی که دادگاه برای اظهارنظر کارشناس تعیین کرده است.

۴) یک هفته پس از تاریخ ابلاغ نظر کارشناس به آنها بوسیله کارشناس.

گزینه ۲ صحیح است. وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ خواهد شد، طرفین می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ به دفتر دادگاه مراجعه کنند و با ملاحظه نظر کارشناس چنانچه مطلبی دارند نهیاً یا اثباتاً به‌طور کتبی اظهار نمایند. (ماده ۲۶۰ ق.آ.د.م.)

سؤال ۱۲۸۶ کتاب مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

در زمان توقیف اموال یا بعد از آن اموال توقیف شده ارزیابی می‌گردد، مهلت اعتراض به نظر ارزیاب چند روز است؟ «مشاوران حقوقی ۸۴»

(۱) دو روز (۲) سه روز (۳) چهار روز (۴) پنج روز

گزینه ۲ صحیح است. قسمت اجرا ارزیابی را بلافاصله به طرفین ابلاغ می‌نماید. هر یک از طرفین می‌تواند ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ ارزیابی به نظریه ارزیاب اعتراض نماید، این اعتراض در دادگاهی که حکم به وسیله آن اجرا می‌شود، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و در صورت ضرورت با تجدید ارزیابی قیمت مال معین می‌شود، تشخیص دادگاه در این مورد قطعی است. (ماده ۷۵ قانون اجرای احکام مدنی)

۳۰ - در خصوص قابلیت فرجام احکام صادره از دادگاه تجدیدنظر راجع به متفرعات دعوی که ضمن رسیدگی به دعاوی راجع به اصل نکاح، فسخ آن و طلاق و نسب صادر می‌شود، کدام مورد صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

۱) فقط در مورد احکام طلاق و نسب قابل فرجام است.

۲) در هر چهار حکم قابل فرجام است.

۳) فقط در مورد احکام اصل نکاح و فسخ آن و اصل طلاق قابل فرجام است.

۴) فقط در مورد احکام طلاق، نسب و اصل نکاح قابل فرجام است.

سؤال ۹۶۷ کتاب مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

در مورد قابلیت فرجام احکامی که پس از رسیدگی به دعاوی اصلی و صدور رأی، راجع به متفرعات دعوی صادر می‌شوند کدام گزینه درست است؟ «سراسری ۱۴۰۱»

۱) قابلیت فرجام آنها برابر قواعد عام فرجام‌خواهی است.

۲) در صورتی که حکم راجع به اصل دعوی قابل فرجام باشد، قابل فرجام‌اند.

۳) در صورتی که حکم راجع به اصل دعوی قابل فرجام نباشد، قابل فرجام نیستند.

۴) حتی اگر حکم راجع به اصل دعوی قابل فرجام نباشد، به تشخیص رئیس دیوان عالی کشور قابل فرجام‌اند.

گزینه ۳ صحیح است. رک توضیحات پاسخ شماره ۹۴۵.

مطابق ماده ۳۶۹ ق.آ.د.م. احکام زیر قابل رسیدگی فرجامی نخواهد بود:

۱ - احکام مستند به اقرار قاطع دعوا در دادگاه (حتی در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادر کننده رأی)، ۲ - احکام مستند به نظریه یک یا چند نفر کارشناس که طرفین به طور کتبی رأی آنها را قاطع دعوا قرار داده باشند. ۳ - احکام مستند به سوگند که قاطع دعوا باشد. (سوگند بتی) ۴ - احکامی که طرفین حق فرجام‌خواهی خود را نسبت به آن ساقط کرده باشند. ۵ - احکامی که ضمن یا بعد از رسیدگی به دعاوی اصلی راجع به متفرعات آن صادر می‌شود، در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل رسیدگی فرجامی نباشد. ۶ - احکامی که به موجب قوانین خاص غیر قابل فرجام‌خواهی است.

فرجام‌خواهی مرحله سوم رسیدگی نمی‌باشد و دیوان عالی کشور در رسیدگی به آرای فرجام‌خواسته موضوع را برای سومین بار مورد رسیدگی ماهوی قرار نمی‌دهد. به بیان دیگر دیوان عالی کشور در رسیدگی به آرای فرجام‌خواسته شأن ماهوی ندارد؛ رسیدگی در دیوان عالی کشور، شکلی می‌باشد. منظور از رسیدگی فرجامی، انطباق جنبه موضوعی با جنبه حکمی از جهت مطابقت با شرع و قانون، توسط دیوان عالی کشور می‌باشد. فرجام‌خواهی از طرق فوق‌العاده شکایت از آرا می‌باشد و فرجام‌خواهی مستلزم تصریح قانونگذار می‌باشد. احکام قابل فرجام: ۱ - احکامی که خواسته آن بیش از بیست میلیون ریال باشد و مورد تجدیدنظرخواهی قرار نگرفته باشد. به طور مثال چنانچه خواسته دعوا، مطالبه وجه چک یا اجرت‌المثل و یا اجرت‌المسمی و یا خسارت بیش از بیست میلیون ریال باشد و از آن حکم تجدیدنظرخواهی نشده باشد این حکم می‌تواند مورد درخواست فرجام‌خواهی قرار گیرد. ۲ - احکام راجع به اصل نکاح، فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، وقف، ثلث، حبس و تولیت. لازم به ذکر است احکام راجع به ثلث، حبس و تولیت چنانچه مورد تجدیدنظرخواهی قرار گرفته باشند هرگز نمی‌توانند مورد درخواست فرجام‌خواهی قرار گیرند. در حالی که دعاوی راجع به اصل نکاح و فسخ آن، کلیه دعاوی مربوط به طلاق، نسب، حجر و وقف چه مورد تجدیدنظرخواهی قرار گرفته یا نگرفته باشند می‌توانند مورد درخواست فرجام‌خواهی قرار گیرند. از سوی دیگر احکام دادگاه‌های تجدیدنظر که در دعاوی مالی صادر شده باشند نمی‌توانند مورد درخواست فرجام‌خواهی قرار گیرند. همچنین احکام در دعاوی غیر مالی اعتباری نیز هرگز نمی‌توانند مورد درخواست فرجام‌خواهی قرار گیرند. قرارهای قابل فرجام‌خواهی: قرارها در صورتی می‌توانند مستقلاً مورد درخواست فرجام‌خواهی قرار گیرند که دو شرط زیر توافماً وجود داشته باشند: ۱ - اصل دعوا قابل فرجام‌خواهی باشد. ۲ - قانونگذار فرجام‌خواهی از قرار را پیش‌بینی کرده باشد. به موجب بند ب مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ قرارهای قابل فرجام به شرح زیر است: ۱ - قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شده باشد. (بدوی یا تجدید نظر) ۲ - قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا

در خصوص این سؤال لازم به ذکر است مطابق ماده ۳۷۳ ق.آ.د.م.: «چنانچه مفاد رأی صادره با یکی از مواد قانونی مطابقت داشته باشد، لکن اسباب توجیهی آن با ماده‌ای که دارای معنای دیگری است تطبیق شده، رأی یادشده نقض می‌گردد.» در اینجا نیز مفاد رأی با ماده ۱۱۳۰ ق.م. که در خصوص طلاق است مطابقت دارد در حالی که اسباب توجیهی با ماده ۱۰۷۵ ق.م. که مربوط به عقد موقت است تطبیق می‌نماید؛ بنابراین جهت نقض در دیوان عالی کشور وجود دارد. البته از آن‌جا که رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم طلاق قابل تجدیدنظر بوده و پس از انقضای مهلت تجدیدنظر می‌تواند مورد فرجام‌خواهی قرار گیرد گزینه ۳ نادرست است.

مبحث فرجام‌خواهی صفحه ۱۵۵ کتاب گام آخر آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، مشاهیر دادآفرین

- | | | |
|---|---|---------------------|
| <p>۱ - احکام مستند به اقرار قاطع دعوا در دادگاه (حتی در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادر کننده رأی)</p> <p>۲ - احکام مستند به نظریه یک یا چند نفر کارشناس که طرفین به طور کتبی رأی آنها را قاطع دعوا قرار داده باشند.</p> <p>۳ - احکام مستند به سوگند (فقط سوگند بتی) که قاطع دعوا باشد.</p> <p>۴ - احکامی که طرفین حق فرجام‌خواهی خود را نسبت به آن ساقط کرده باشند.</p> <p>۵ - احکامی که ضمن یا بعد از رسیدگی به دعاوی اصلی راجع به متفرعات آن صادر می‌شود، در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل رسیدگی فرجامی نباشد.</p> <p>۶ - احکامی که به موجب قوانین خاص غیر قابل فرجام‌خواهی است.</p> | } | احکام غیرقابل فرجام |
|---|---|---------------------|

۳۱- در دعوایی که به خواسته پرداخت ده میلیارد ریال علیه شخص «الف» و شخص «ب» اقامه شده و دادگاه نخستین حکم علیه خواهان صادر نموده محکوم علیه پس از تجدیدنظرخواهی نسبت به حکم سه ماه بعد در حالی که پرونده در دادگاه مطرح است تصمیم می گیرد که شخص «ب» را از دعوی تجدیدنظر خارج کند، در این صورت کدام مورد صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

- ۱) باید درخواست استرداد دادخواست تجدیدنظر نسبت به شخص «ب» در دادگاه تجدیدنظر مطرح نماید.
- ۲) باید درخواست استرداد دادخواست تجدیدنظر نسبت به شخص «ب» در دادگاه نخستین مطرح نماید.
- ۳) باید لایحه ای در قالب کاهش خواسته معطوف به کم کردن تجدیدنظر خواندگان به دادگاه تجدیدنظر تقدیم نماید.
- ۴) باید لایحه ای در قالب کاهش خواسته معطوف به کم کردن تجدیدنظر خواندگان به دادگاه نخستین تقدیم نماید.

سؤال ۹۳۸ کتاب مجموعه سؤالات طبقه بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

چنانچه تجدیدنظرخواه دادخواست خود را مسترد نماید چه مرجعی چه قراری صادر می کند؟ «وکالت ۸۷ و ۹۴، قضاوت ۸۲ و آزاد ۸۹»

- ۱) تجدیدنظر، ابطال دادخواست (۲) تجدیدنظر، رد دعوی (۳) بدوی، ابطال دادخواست (۴) بدوی، رد دادخواست
- گزینه ۱ صحیح است. چنانچه هریک از طرفین دعوا دادخواست تجدیدنظر خود را مسترد نمایند، مرجع تجدیدنظر، قرار ابطال دادخواست تجدیدنظر را صادر می نماید. (ماده ۳۶۳ ق.آ.د.م.)

موارد صدور قرار ابطال دادخواست بند ۶ صفحه ۹۲ کتاب گام آخر آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، مشاهیر دادآفرین

- | | |
|--|---------------------------------------|
| <p>۱- هرگاه خواهان جهت اخذ توضیح دعوت شود لکن حاضر نشود و با اخذ توضیح از خواننده نیز امکان صدور رأی وجود نداشته باشد و یا اینکه هیچ یک از اصحاب دعوا در وقت تعیین شده حاضر نباشند (ماده ۹۵ ق.آ.د.م.)</p> <p>۲- هرگاه خواهان اصل سند عادی را همراه خود نداشته باشد و آن سند مورد انکار یا تردید قرار گیرد و دادخواست وی مستند به ادله دیگری نباشد و به سوگند متمسک نشود. (ماده ۹۶ ق.آ.د.م.)</p> <p>۳- هرگاه تا اولین جلسه دادخواست توسط خواهان مسترد شود. (بند الف ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م.)</p> <p>۴- هرگاه وسیله اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق محلی فراهم نشود و دادگاه بدون آن نتواند انشای رأی کند و مرحله بدوی باشد. (ماده ۲۵۶ ق.آ.د.م.)</p> <p>۵- هرگاه دستمزد کارشناس تودیع نشود و دادگاه بدون آن نتواند انشای رأی کند و مرحله بدوی باشد. (ماده ۲۵۹ ق.آ.د.م.)</p> <p>۶- هرگاه دادخواست تجدیدنظر مسترد شود. (مرجع تجدیدنظر این قرار را صادر می کند). (ماده ۳۶۳ ق.آ.د.م.)</p> <p>۷- شاکی در دیوان عدالت اداری قبل از وصول پاسخ طرف شکایت دادخواست را مسترد می نماید. (شعبه دیوان عدالت قرار ابطال دادخواست صادر می کند) (ماده ۴۵ قانون دیوان عدالت اداری)</p> | <p>موارد صدور قرار ابطال دادخواست</p> |
|--|---------------------------------------|

۳۲- حکم خلع ید از یک باب ویلا، له شخص «الف» و علیه شخص «ب» صادر، قطعی و اجرا می شود. شخص «الف» پس از اجرای حکم اقدام به تخریب بنای ویلا می نماید، سپس دو سال بعد، حکم مزبور در پی اعاده دادرسی، با حکم نهایی بلااثر می شود. در خصوص اعاده عملیات اجرایی حکم بلااثرشده، کدام مورد صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

- ۱) به دستور دادگاه اجراکننده حکم بلااثرشده، شخص «الف» از ملک خلع ید شده و ملک به تصرف «ب» داده می شود و بهای بنای تخریب شده نیز توسط کارشناس تعیین و از شخص «الف» گرفته شده و به شخص «ب» داده می شود.
- ۲) به دستور دادگاه صادرکننده حکم بلااثرکننده، شخص «الف» از ملک خلع ید شده و ملک به تصرف شخص «ب» داده می شود و بهای بنای تخریب شده نیز توسط کارشناس تعیین و از شخص «الف» گرفته شده و به شخص «ب» داده می شود.
- ۳) به دستور دادگاه اجراکننده حکم بلااثرشده، شخص «الف» از ملک خلع ید و ملک به همان صورت به تصرف شخص «ب» داده می شود.
- ۴) به دستور دادگاه اجراکننده حکم بلااثرشده، اجرائیه قبلی ابطال و شخص «الف» از ملک خلع ید و ملک به همان صورت به تصرف شخص «ب» داده می شود.

سؤال ۱۲۴۶ کتاب مجموعه سؤالات طبقه بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

در اجرای حکمی که از دادگاه عمومی حقوقی شیراز صادر و در دادگاه تجدیدنظر استان فارس استوار شده است اموال محکوم علیه بازداشت می شود. چنانچه حکم مبنای عملیات اجرایی، در پی اعاده دادرسی، بلااثر شود، در مورد بازگرداندن عملیات اجرایی به حالت پیش از اجرا کدام گزینه درست است؟ «سراسری ۱۴۰۱»

- ۱) به درخواست محکوم له حکم بلااثر کننده و دستور دادگاه تجدیدنظر استان فارس، بدون صدور اجرائیه
- ۲) به درخواست محکوم له حکم بلااثر کننده و دستور دادگاه تجدیدنظر استان فارس، با صدور اجرائیه
- ۳) به درخواست محکوم له حکم بلااثر کننده و دستور دادگاه شیراز، بدون صدور اجرائیه
- ۴) رأساً به دستور دادگاه شیراز و بدون صدور اجرائیه

گزینه ۳ صحیح است. هرگاه حکمی که به موقع اجرا گذارده شده بر اثر فسخ یا نقض یا اعاده دادرسی به موجب حکم نهایی بلاثر شود عملیات اجرایی به دستور دادگاه اجرا کننده حکم به حالت قبل از اجرا برمی‌گردد و در صورتی که محکوم به عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد داورز (مأمور اجرا) مثل یا قیمت آن را وصول می‌نماید. اعاده عملیات اجرایی به دستور دادگاه به ترتیبی که برای اجرای حکم مقرر است بدون صدور اجرائیه به عمل می‌آید. (ماده ۳۹ قانون اجرای احکام مدنی)

۳۳- چنانچه هر یک از اصحاب دعوی اصول اسناد عادی را که روگرفت آنها را ارائه کرده‌اند در اولین جلسه دادرسی حاضر نکند و

طرف مقابل نسبت به آن اظهار انکار نماید، کدام مورد صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

- ۱) خواه انکارکننده خواهان یا خوانده باشد سند فقط در صورتی از عداد دلایل خارج می‌شود که ابرازکننده سند در همان جلسه دلیل اصالت آن را ارائه ننماید.
- ۲) خواه انکارکننده خواهان یا خوانده باشد دادگاه می‌تواند، به اختیار خود، سند را از عداد دلایل خارج نموده یا جلسه را تجدید نماید.
- ۳) خواه انکارکننده خواهان یا خوانده باشد سند از عداد دلایل خارج می‌شود.
- ۴) اگر انکارکننده خواهان باشد سند از عداد دلایل خارج می‌شود و اگر انکارکننده خوانده باشد چنانچه دادخواست مستند به ادله دیگری نباشد در آن خصوص ابطال می‌شود.

سؤال ۳۳۰ کتاب مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

هرگاه خوانده با وجود وقت، اصل تنها سند عادی مورد استناد خود را در اولین جلسه دادرسی حاضر نکند و سند مورد انکار، تردید خواهان قرار گیرد و به سوگند تمسک نشود؛ «آزاد ۸۴»

- ۱) سند از عداد دلایل خارج و قرار ابطال دادخواست صادر می‌شود.
 - ۲) دادگاه مکلف است جلسه را تجدید کند تا خوانده سند را حاضر کند.
 - ۳) سند از عداد دلایل خارج و خوانده در دعوا محکوم می‌شود.
 - ۴) دادگاه ده روز به خوانده مهلت می‌دهد که اصل سند را، اگر به استفاده از آن باقی است به دفتر دادگاه تسلیم کند.
- گزینه ۳ صحیح است.** چنانچه خوانده اصول اسناد را در جلسه تعیین شده حاضر ننماید در صورتی که آن سند عادی باشد و مورد انکار و تردید قرار گیرد آن سند از عداد دلایل او خارج و ممکن است خوانده در دعوی محکوم شود. قرار ابطال دادخواست در ماده ۹۶ ق.آ.د.م. راجع به خواهان دعوی می‌باشد.

سؤال ۳۳۲ کتاب مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

در جلسه اول دادرسی یکی از اسنادی که خوانده به آن استناد و رونوشت آن را به دادگاه تقدیم نموده و سند عادی است مورد انکار واقع و تقاضای ارائه آن می‌شود که خوانده اصل آن را ارائه نمی‌دهد در این صورت: «وکالت ۸۲ و مشاوران حقوقی ۸۴»

- ۱) دادگاه با وجود دلائل دیگر خوانده را محکوم می‌کند.
 - ۲) سند مذکور از عداد دلایل خوانده خارج می‌شود.
 - ۳) دادگاه قرار ابطال دادخواست را صادر می‌کند.
 - ۴) خوانده موظف است ظرف ده روز اصل سند موضوع انکار را به دفتر دادگاه ارائه دهد تا چنانچه موثر در دعوا باشد به اعتبار آن رسیدگی شود.
- گزینه ۲ صحیح است.** رک توضیحات پاسخ شماره ۳۳۰.

چنانچه خوانده اصول اسناد را در جلسه تعیین شده حاضر ننماید در صورتی که آن سند عادی باشد و مورد انکار و تردید قرار گیرد آن سند از عداد دلایل او خارج و ممکن است خوانده در دعوی محکوم شود. قرار ابطال دادخواست در ماده ۹۶ ق.آ.د.م. راجع به خواهان دعوی می‌باشد.

سؤال ۳۳۳ کتاب مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

دعوایی به استناد سند عادی اقامه شده است. خواهان اصول اسناد را در جلسه اول دادرسی حاضر نمی‌کند. با انکار و تردید خوانده، کدام اقدام صورت می‌گیرد؟ «قضاوت و سراسری ۸۰ و قضاوت ۹۵»

- ۱) سند از عداد دلایل خواهان خارج می‌شود و قرار رد دعوی خواهان صادر می‌شود.
 - ۲) جلسه تجدید شده و به خواهان ابلاغ می‌شود اصول اسناد را در جلسه دوم حاضر کند.
 - ۳) اگر دادخواست خواهان مستند به ادله دیگری نباشد، در آن خصوص ابطال می‌شود.
 - ۴) دعوی خواهان، مردود اعلام می‌شود.
- گزینه ۳ صحیح است.** چنانچه خواهان اصل اسناد عادی که رونوشت آنها را ضمیمه دادخواست نموده در جلسه دادرسی حاضر ننماید و این اسناد مورد انکار و تردید خوانده قرار گیرد و دادخواست وی مستند به ادله دیگری نباشد و به سوگند نیز متوسل نشود در آن خصوص ابطال می‌گردد.

موارد صدور قرار ابطال دادخواست بند ۲ صفحه ۹۲ کتاب گام آخر آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، مشاهیر دادآفرین

- | | |
|---|---------------------------------------|
| <p>۱ - هرگاه خواهان جهت اخذ توضیح دعوت شود لکن حاضر نشود و با اخذ توضیح از خواننده نیز امکان صدور رأی وجود نداشته باشد و یا اینکه هیچ یک از اصحاب دعوا در وقت تعیین شده حاضر نباشند (ماده ۹۵ ق.آ.د.م)</p> <p>۲ - هرگاه خواهان اصل سند عادی را همراه خود نداشته باشد و آن سند مورد انکار یا تردید قرار گیرد و دادخواست وی مستند به ادله دیگری نباشد و به سوگند متمسک نشود. (ماده ۹۶ ق.آ.د.م)</p> <p>۳ - هرگاه تا اولین جلسه دادخواست توسط خواهان مسترد شود. (بند الف ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م)</p> <p>۴ - هرگاه وسیله اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق محلی فراهم نشود و دادگاه بدون آن نتواند انشای رأی کند و مرحله بدوی باشد. (ماده ۲۵۶ ق.آ.د.م)</p> <p>۵ - هرگاه دستمزد کارشناس تودیع نشود و دادگاه بدون آن نتواند انشای رأی کند و مرحله بدوی باشد. (ماده ۲۵۹ ق.آ.د.م)</p> <p>۶ - هرگاه دادخواست تجدیدنظر مسترد شود. (مرجع تجدیدنظر این قرار را صادر می‌کند). (ماده ۳۶۳ ق.آ.د.م)</p> <p>۷ - شاکی در دیوان عدالت اداری قبل از وصول پاسخ طرف شکایت دادخواست را مسترد می‌نماید. (شعبه دیوان عدالت قرار ابطال دادخواست صادر می‌کند) (ماده ۴۵ قانون دیوان عدالت اداری)</p> | <p>موارد صدور قرار ابطال دادخواست</p> |
|---|---------------------------------------|

۳۵ - خواننده دعوی برای اثبات ادعای خود مبنی بر مطالبه وجه نقد، دو گواه معرفی می‌کند. دادگاه قرار رسیدگی به گواهی گواهان صادر می‌نماید و هر دو گواه برای حضور در جلسه دادرسی مقرر دعوت می‌شوند اما در جلسه دادرسی هیچ‌یک از گواهان حاضر نمی‌شود. در خصوص ضمانت اجرای این حضور و ارزش و تأثیر گواهی آنها کدام مورد صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

- ۱) دوباره احضار خواهند شد و در صورت حضور در هر حال تشخیص ارزش و تأثیر گواهی آنها با دادگاه است.
- ۲) دوباره احضار خواهند شد و در صورت حضور اگر شرایط گواه شرعی داشته باشند، گواهی آنها به دادگاه تحویل می‌شود.
- ۳) گواهی از عداد دلال خارج می‌شود.
- ۴) دوباره احضار خواهند شد و در صورت عدم حضور جلب خواهند شد.

سؤال ۷۰۰ کتاب مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

شاهد که برابر قانون احضار شده، در موعد مقرر در دادگاه حاضر نمی‌شود در این صورت توسط دادگاه: «وکالت ۸۵ و مشاوران حقوقی ۹۰ و ۹۶»

- ۱) جلب خواهد شد.
 - ۲) دوباره احضار می‌شود.
 - ۳) به خواهان یا خواننده اخطار می‌شود که شاهد را احضار کند.
 - ۴) گواهی از عداد دلایل خواهان یا خواننده خارج می‌شود.
- گزینه ۲ صحیح است.** گواهی که برابر قانون احضار شده است، چنانچه در موعد مقرر حضور نیابد، دوباره احضار خواهد شد (ماده ۲۴۳ ق.آ.د.م). به موجب این ماده جلب گواه در دعوای مدنی از سوی قانونگذار پیش‌بینی نشده است لکن در رسیدگی به دعوای کیفری به موجب تبصره ۱ ماده ۲۰۴ ق.آ.د.ک. جلب شهود مجاز است.

سؤال ۷۰۴ کتاب مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

دعوایی به خواسته صدور حکم مبنی بر وجود رابطه زوجیت شرعی اقامه می‌شود. خواهان به گواهی دو زن که ناظر جاری شدن صیغه عقد بوده‌اند و در حوزه دادگاه دیگری مقیم هستند، استناد می‌نماید، چنانچه هر دو شاهد حاضر شده و بر اجرا شدن صیغه عقد در حضور آنها گواهی دهند، درباره ارزش و تأثیر گواهی آنها و نیز هزینه رفت و آمد گواهان به دادگاه و جبران خسارت حاصل از آن، کدام مورد صحیح است؟ «وکالت ۱۴۰۲»

- ۱) تشخیص ارزش و تأثیر گواهی آنها با دادگاه است. - می‌توانند هزینه و خسارت را بدون نیاز به تقدیم دادخواست از همان دادگاه مطالبه نمایند.
- ۲) تشخیص ارزش و تأثیر گواهی آنها با دادگاه است. - برای مطالبه هزینه‌ها و خسارات باید در دادگاه صالح جداگانه اقامه دعوی نمایند.
- ۳) گواهی آنها به دادگاه تحمیل می‌شود. - می‌تواند هزینه و خسارت را به شرط تقدیم دادخواست از همان دادگاه مطالبه نماید.
- ۴) گواهی آنها به دادگاه تحمیل می‌شود. - حق مطالبه هزینه‌ها و خسارات را ندارند.

گزینه ۱ صحیح است. تشخیص ارزش و تأثیر گواهی با دادگاه است. هرگاه گواه برای حضور در دادگاه درخواست هزینه آمدررفت و جبران خسارت حاصل از آن را بنماید، دادگاه میزان آن را معین و استناد کننده را به تأدیه آن ملزم می‌نماید. (ماده ۲۴۱ و ۲۴۷ ق.آ.د.م). مطالبه هزینه رفت و آمد و جبران خسارت از سوی گواه مستلزم درخواست می‌باشد و گواه برای مطالبه هزینه پیش‌گفته دادخواست تقدیم نمی‌کند.

سؤال ۱۹۱ در کتاب گام آخر آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، انتشارات مشاهیر دادآفرین

چنانچه گواهی که احضار شده در موعد مقرر حاضر نشود.....

- ۱) دوباره احضار می‌شود و اگر حاضر نشد دادرسی در منزل یا محل کار او حاضر می‌شود و گواهی وی را استماع می‌کند.
 - ۲) چنانچه احقاق حق متوقف بر گواهی گواه باشد جلب می‌شود
 - ۳) دوباره احضار می‌شود حتی اگر احقاق حق متوقف بر گواهی گواه نباشد
 - ۴) دادرسی در منزل یا محل کار او حاضر می‌شود و گواهی وی را استماع می‌کند، مشروط بر اینکه احقاق حق متوقف بر گواهی گواه باشد.
- گزینه ۳ صحیح است.** مطابق ماده ۲۴۳ ق.آ.د.م: «گواهی که برابر قانون احضار شده است، چنانچه در موعد مقرر حضور نیابد، دوباره احضار خواهد شد»

۳۷ - حکمی از دادگاه تجدیدنظر استان صادر و قطعی شده و عملیات اجرایی حکم در حال انجام است. نسبت به این حکم

محکوم علیه درخواست اعاده دادرسی می نماید در خصوص تکلیف عملیات اجرایی، کدام مورد صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

۱) در صورت صدور قرار قبولی اعاده دادرسی در محکوم به غیرمالی در صورتی که محکوم علیه تأمین دهد اجرای حکم متوقف و در محکوم به مالی اجرای حکم متوقف می شود.

۲) در صورت صدور قرار قبولی اعاده دادرسی در محکوم به غیرمالی اجرای حکم متوقف و در محکوم به مالی نیز در صورتی که محکوم علیه تأمین دهد، اجرای حکم متوقف می شود.

۳) با تقدیم دادخواست اعاده دادرسی و تکمیل دادخواست و ارجاع آن عملیات اجرایی در محکوم به مالی و غیرمالی متوقف می شود.

۴) در صورت صدور قرار قبولی اعاده دادرسی در محکوم به غیرمالی اجرای حکم متوقف و در محکوم به مالی با گرفتن تأمین از محکوم له ادامه می یابد.

سؤال ۱۰۸۵ کتاب مجموعه سؤالات طبقه بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

قرار قبولی اعاده دادرسی چه تأثیری در اجرای حکم دارد؟ «مشاوران حقوقی ۸۲»

۱) اجرای حکم متوقف می شود.

۲) چنانچه محکوم به غیرمالی باشد اجرای حکم متوقف می شود.

۳) چنانچه محکوم به مالی باشد اجرای حکم متوقف می شود.

۴) صدور قرار قبولی اعاده دادرسی تأثیری در توقف اجرای حکم ندارد.

گزینه ۱ صحیح است. با درخواست اعاده دادرسی و پس از صدور قرار قبولی آن به شرح ذیل اقدام می گردد: الف - چنانچه محکوم به غیرمالی باشد اجرای حکم متوقف خواهد شد. ب - چنانچه محکوم به مالی است و امکان اخذ تأمین و جبران خسارت احتمالی باشد به تشخیص دادگاه از محکوم له تأمین مناسب اخذ و اجرای حکم ادامه می یابد. (ماده ۴۳۷ ق.آ.د.م.) با توجه به شیوه انشای ماده مزبور باید پذیرفت که قرار قبول اعاده دادرسی، در هر حال اجرای حکم را به درخواست محکوم علیه متوقف می نماید. در عین حال، چنانچه محکوم به مالی باشد پس از گرفتن تأمین از محکوم له، عملیات اجرایی به درخواست محکوم له از توقیف خارج شده و ادامه می یابد. (دکتر شمس، عبدالله، جلد دوم، ش ۹۹۶)

سؤال ۱۰۸۷ کتاب مجموعه سؤالات طبقه بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

کدامیک از موارد ذیل صحیح است؟ «مشاوران ۹۶»

۱) اعاده دادرسی اثر انتقالی ندارد.

۲) با درخواست اعاده دادرسی در صورتی که محکوم به غیر مالی باشد، اجرای حکم متوقف می شود.

۳) اجرای حکم در صورتی متوقف می شود که محکوم علیه حکم مورد درخواست اعاده دادرسی، درخواست صدور قرار توقیف عملیات اجرایی را نماید.

۴) قرار قبولی اعاده دادرسی، در هر حال اجرای حکم را به درخواست محکوم علیه متوقف می نماید.

گزینه ۴ صحیح است. رک توضیحات پاسخ شماره ۱۰۸۵.

اعاده دادرسی صفحه ۱۶۸ در کتاب گام آخر آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، انتشارات مشاهیر دادآفرین

اثر تعلیقی: صرف درخواست اعاده دادرسی نسبت به حکم، اجرای آن را متوقف نمی نماید با درخواست اعاده دادرسی و پس از صدور قرار قبولی آن چنانچه محکوم به غیرمالی باشد اجرای حکم متوقف خواهد شد.

اثر اعاده دادرسی

اگر محکوم به مالی باشد و امکان اخذ تأمین و جبران خسارت احتمالی باشد و به تشخیص دادگاه از محکوم له تأمین مناسب اخذ و اجرای حکم ادامه می یابد. به هر حال اجرای حکم در صورتی متوقف می شود که اولاً عملیات اجرایی خاتمه نیافته باشد و دوماً محکوم علیه توقف عملیات اجرایی را درخواست نماید.

اثر انتقالی: دارد، و محدود به جهت درخواست شده است. بنابراین در صورت نقض حکم مورد شکایت، دادگاه باید دوباره به امور موضوعی و حکمی رسیدگی نماید. و صدور قرار تحقیق و معاینه محل، کارشناسی و ... در اعاده دادرسی مجاز است.

سؤال ۲۵۷ تألیفی در کتاب گام آخر آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، انتشارات مشاهیر دادآفرین

اگر نسبت به حکمی اعاده دادرسی شود و عملیات اجرایی خاتمه یافته باشد با صدور قرار قبول اعاده دادرسی:

۱) عملیات اجرایی به حالت قبل از اجرا اعاده می شود.

۲) اگر محکوم به مالی باشد عملیات اجرایی به حالت قبل از اجرا اعاده می شود.

۳) اگر محکوم به غیرمالی باشد بدون اخذ تأمین عملیات اجرایی متوقف می شود.

۴) توقف و اعاده عملیات اجرایی منتفی است.

گزینه ۴ صحیح است. مطابق ماده ۴۳۷ ق.آ.د.م.: «با درخواست اعاده دادرسی و پس از صدور قرار قبولی آن به شرح ذیل اقدام می گردد:

الف - چنانچه محکوم به غیرمالی باشد اجرای حکم متوقف خواهد شد.

ب - چنانچه محکوم به مالی است و امکان اخذ تأمین و جبران خسارت احتمالی باشد به تشخیص دادگاه از محکوم له تأمین مناسب اخذ و اجرای حکم ادامه می یابد.

ج - در مواردی که درخواست اعاده دادرسی مربوط به یک قسمت از حکم باشد حسب مورد مطابق بندهای (الف) و (ب) اقدام می گردد.» البته توقف عملیات اجرایی مستلزم این است که اولاً عملیات اجرایی متوقف نشده باشد ثانیاً محکوم علیه درخواست توقف عملیات اجرایی را نموده باشد.

سؤال ۲۶۰ تألیفی در کتاب گام آخر آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، انتشارات مشاهیر دادآفرین

پس از صدور قرار قبول اعاده دادرسی:

- (۱) چنانچه محکوم به غیر مالی باشد از محکوم له تأمین اخذ می شود و حکم اجرا می شود.
 - (۲) چنانچه محکوم به غیر مالی باشد از محکوم علیه تأمین اخذ می شود و اجرای حکم متوقف می شود.
 - (۳) چنانچه محکوم به مالی باشد با اخذ تأمین از محکوم علیه اجرای حکم متوقف می شود.
 - (۴) چنانچه محکوم به غیر مالی باشد اجرای حکم متوقف می شود.
- گزینه ۴ صحیح است. مطابق ماده ۴۳۷ ق.آ.د.م: «با درخواست اعاده دادرسی و پس از صدور قرار قبولی آن به شرح ذیل اقدام می گردد:
- الف- چنانچه محکوم به غیر مالی باشد اجرای حکم متوقف خواهد شد.
- ب- چنانچه محکوم به مالی است و امکان اخذ تأمین و جبران خسارت احتمالی باشد به تشخیص دادگاه از محکوم له تأمین مناسب اخذ و اجرای حکم ادامه می یابد.
- ج- در مواردی که درخواست اعاده دادرسی مربوط به یک قسمت از حکم باشد حسب مورد مطابق بندهای (الف) و (ب) اقدام می گردد.»

۳۹ - چنانچه میان دادگاه عمومی حقوقی و دادگاه کیفری دو از یک استان اختلاف در صلاحیت رخ دهد، کدام مورد در خصوص

مرجع حل اختلاف در صلاحیت، صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

- (۱) شعبه کیفری دیوان عالی کشور (۲) دادگاه کیفری یک همان استان (۳) دادگاه تجدیدنظر همان استان (۴) شعبه حقوقی دیوان عالی کشور

صفحه ۳۷ کتاب گام آخر آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، انتشارات مشاهیر دادآفرین

- ۱ - بین دادگاه های یک استان که از لحاظ صلاحیت ذاتی، یکسان هستند (در خصوص صلاحیت محلی)
 - ۲ - بین دادگاه حقوقی با دادگاه کیفری دو در حوزه قضایی یک استان
 - ۳ - بین دادگاه های صلح واقع در حوزه های قضائی شهرستان های یک استان و نیز بین دادگاه صلح با دادسراها یا دادگاه های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی یک استان
 - ۴ - بین دادگاه های صلح واقع در حوزه های قضائی دو استان و بین دادگاه صلح و دادسراها یا دادگاه های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی دو استان، با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که مرجع قضائی آن استان آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده است.
 - ۵ - در مواردی که دادگاه صلح به صلاحیت مراجع غیر قضائی از خود نفی صلاحیت کند، پرونده برای تعیین صلاحیت به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می شود، تشخیص آن مرجع لازم الاتباع است.
- در مواردی که دادگاه تجدیدنظر استان حل اختلاف می کند:

سؤال ۴۰ کتاب گام آخر آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، انتشارات مشاهیر دادآفرین

چنانچه در خصوص صلاحیت بین دادگاه حقوقی شهر تهران با دادگاه کیفری دو شهر تهران اختلاف حاصل شود مرجع حل اختلاف بین آنها:

- (۱) دادگاه تجدیدنظر استان تهران است.
 - (۲) دادگاه حقوقی شهر تهران است.
 - (۳) دیوان عالی کشور است.
 - (۴) هیأت عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور است.
- گزینه ۱ صحیح است. اختلاف در صلاحیت بین دادگاه حقوقی با دادگاه کیفری دو در حوزه قضایی یک استان به لحاظ آن که هر دو از دادگاه های عمومی محسوب می شوند. مرجع صالح برای حل اختلاف صلاحیت بین آنها، دادگاه تجدیدنظر همان استان خواهد بود.

۴۰ - دعوایی علیه سه نفر به اسامی شخص «الف» و شخص «ب» و شخص «ج» به خواسته ۳۰ میلیارد ریال اقامه می شود. اخطار

دعوت به اولین جلسه دادرسی و پیوست های احتمالی آن فقط به شخص «الف» ابلاغ واقعی و به دیگران ابلاغ قانونی می شود. در اولین جلسه دادرسی فقط شخص «ب» حاضر می شود و هیچ لایحه ای واصل نمی شود. دادگاه در پایان همان جلسه اقدام به صدور حکم محکومیت «الف» و «ج» می نماید. در خصوص توصیف حکم دادگاه، به ترتیب، نسبت به خواهان، شخص «الف»، شخص «ب» و شخص «ج» کدام مورد صحیح است؟ «کانون وکلا ۱۴۰۳»

- (۱) حضوری - حضوری - حضوری - غیابی
(۲) حضوری - حضوری - حضوری - غیابی
(۳) حضوری - غیابی - غیابی - حضوری
(۴) غیابی - غیابی - حضوری - غیابی

سؤال ۷۷۵ کتاب مجموعه سؤالات طبقه بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و ششم، مشاهیر دادآفرین

چنانچه دعوایی غیر مالی در دادگاه عمومی مطرح شود و خوانده در جلسه دادرسی حاضر نشود و لایحه ندهد و وکیل نیز معرفی ننماید و محکوم شود این حکم نسبت به خوانده «وکالت ۹۱»

- (۱) در هر حال حضوری است.
- (۲) غیابی است مگر اختاریه به خوانده ابلاغ قانونی شده باشد.
- (۳) غیابی است مگر اختاریه به خوانده ابلاغ واقعی شده باشد.
- (۴) غیابی است مگر اختاریه و حکم به خوانده ابلاغ واقعی شده باشد.

گزینه ۳ صحیح است. حکم دادگاه حضوری است مگر این که خوانده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اختاریه ابلاغ واقعی نشده باشد. (ماده ۳۰۳ ق.آ.د.م.) وضعیت خوانده در رسیدگی به دعوا موجب می شود تا حکم حضوری یا غیابی باشد. حکم در صورتی نسبت به خوانده غیابی است که او در هیچ یک از جلسات دادرسی حاضر نباشد و لایحه دفاعیه نداده باشد، نماینده او نیز در دادگاه حاضر نباشد و اختاریه نیز ابلاغ واقعی نشده باشد؛ جمع این شروط موجب می شود تا حکم غیابی محسوب شود. چنانچه خوانده در یک جلسه حاضر باشد و در جلسات دیگر غایب باشد حکمی که صادر می شود حضوری است و یا اگر خوانده در همه جلسات دادرسی غایب باشد ولی ابلاغیه به او ابلاغ واقعی شده باشد حکم حضوری است. حکم همواره نسبت به خواهان حضوری است و خواهان همواره از جریان دادرسی مطلع است و حکم هیچگاه نسبت به او غیابی نمی شود ولو اینکه تجدیدنظر خوانده یا واخوانده و یا فرجام خوانده باشد و در هیچ یک از این مراحل دادرسی حضور نداشته باشد. تقسیم حکم به حضوری و غیابی تنها نسبت به خوانده دعوا است یعنی این عملکرد و وضعیت خوانده است که موجب می شود حکم حضوری یا غیابی باشد. از سوی دیگر این حکم است که به حضوری و غیابی تقسیم می شود و قرارها به حضوری و غیابی تقسیم نمی شوند و قرارها همواره حضوری محسوب می شوند.

در فرض این سؤال از آنجا که خوانده لایحه دفاعیه ارائه نموده حکم صادره حضوری است.

سؤال ۷۷۶ کتاب مجموعه سؤالات طبقه بندی شده آیین دادرسی مدنی، چاپ بیست و نهم، مشاهیر دادآفرین

رأی دادگاه در چه مواردی غیابی است؟ «وکالت ۸۶»

- (۱) در مواردی که وقت رسیدگی ابلاغ واقعی نشده و خوانده و نماینده وی در هیچ جلسه دادگاه حاضر نشده و کتباً هم دفاع نکرده باشد.
- (۲) در مواردی که خوانده در دادگاه حاضر نشده باشد.
- (۳) در مواردی که خوانده یا نماینده قانونی او در دادگاه حاضر نشده باشد.
- (۴) در مواردی که اختاریه وقت رسیدگی ابلاغ واقعی نشده باشد.

گزینه ۱ صحیح است. حکم دادگاه حضوری است مگر این که خوانده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اختاریه ابلاغ واقعی نشده باشد. (ماده ۳۰۳ ق.آ.د.م.) وضعیت خوانده در رسیدگی به دعوا موجب می شود تا حکم حضوری یا غیابی باشد. حکم در صورتی نسبت به خوانده غیابی است که او در هیچ یک از جلسات دادرسی حاضر نباشد و لایحه دفاعیه نداده باشد، نماینده او نیز در دادگاه حاضر نباشد و اختاریه نیز ابلاغ واقعی نشده باشد؛ جمع این شروط موجب می شود تا حکم غیابی محسوب شود. چنانچه خوانده در یک جلسه حاضر باشد و در جلسات دیگر غایب باشد حکمی که صادر می شود حضوری است و یا اگر خوانده در همه جلسات دادرسی غایب باشد ولی ابلاغیه به او ابلاغ واقعی شده باشد حکم حضوری است. حکم همواره نسبت به خواهان حضوری است و خواهان همواره از جریان دادرسی مطلع است و حکم هیچگاه نسبت به او غیابی نمی شود ولو اینکه تجدیدنظر خوانده یا واخوانده و یا فرجام خوانده باشد و در هیچ یک از این مراحل دادرسی حضور نداشته باشد. تقسیم حکم به حضوری و غیابی تنها نسبت به خوانده دعوا است یعنی این عملکرد و وضعیت خوانده است که موجب می شود حکم حضوری یا غیابی باشد. از سوی دیگر این حکم است که به حضوری و غیابی تقسیم می شود و قرارها به حضوری و غیابی تقسیم نمی شوند و قرارها همواره حضوری محسوب می شوند.

در فرض این سؤال از آنجا که خوانده لایحه دفاعیه ارائه نموده حکم صادره حضوری است.